

پیشخان

نگاه جنسیتی را کنار بگذارید

«سپیده سرایی» در سال ۱۹۶۴، وقتی دوروتی کروفت ها جکین، معتبرترین جایزه جهان در شیمی را گرفت، روزنامه‌ای نوشت: «جایزه نوبل برای یک زوجه انگلیسی»: انگار او حین جفت‌وجور کردن جوارب‌های شوهرش تصادفا ساختار پیچیده عناصر بیوشیمیایی را پیدا کرده بود! اما از دانشمندان مذکر هرگز به این صورت یاد نمی‌شود. این اتفاق بارها و بارها تکرار شده است. در سال ۱۸۹۹، هرتا اترتون، مخترع و فیزیکدان، نمایشی ترتیب داد در مورد نوآوری‌اش برای پایین آوردن حرارت لامپ‌های الکترونی که تا آن زمان به دو عیب عمده شهرت داشتند: نوسان نور و سروصد. روزنامه‌ای در گزارشی این نمایش اترتون را همچون نمایشگریک سیرک توصیف کرده بود: «چیزی که خانم‌های تماشاگر را متحیر کرد، این بود که می‌دیدند یکی از هم‌جنسان آنها اجرای یکی از خطرناک‌ترین نمایش‌ها را بر عهده دارد، اما خانم اترتون کمترین ترسی نداشت. بعدها اترتون که از چنین برداشته‌هایی به ستوه آمده بود، به مشکلی همیشگی در نحوه برخورد با او و معاصرانش اشاره کرد: «این تصورات مربوط به «زن و علم» به کلی بی‌ربط است. یک زن یا دانشمند خوبی نیست. در حال باید به او فرصت داد و کارش را از نظر علمی بررسی کرد، نه از دیدگاه جنسیتی.» تمام اینها نشان می‌دهد چه نوع برداشته‌های جنسیتی در دنیای نسبت به زنان موفق در حوزه‌های مختلف وجود دارد. کتاب «زنان سرسخت» نیز دقیقاً علیه چنین نگاه‌ها منتشر شده است. این کتاب، شرح حال ۵۴ نفر از زنان موفق است. نویسنده، اما در مقدمه تأکید دارد در کتابش به زنانی پرداخته است که چندان شناخته شده نیستند: «در این کتاب به زنانی پرداخته شده که یکی هسته درونی کره زمین و دیگری عناصر رادیواکتیور را کشف کرده، یکی توانسته اسکلت کامل دایناسوری از خاک بیرون بیاورد و سر هم کند، بابا با تازه‌ای در پژوهش علمی بگشاید؛ زنانی که ایده‌ها و یافته‌ها و بصیرت‌شان نگرش ما به جهان را به لرزه انداخته و از بنیان تغییر داده است.» البته قصد در این کتاب این نیست که صرفاً شرح حال یا آرایه‌کا نام‌ده‌رخشان این و آن باشد؛ گاهی اکتشافی به کف اقیانوس یا عکسی در دیده شده که باعث کشف دی‌ان‌ای شده، برای نوشتن یک فصل کافی است. هر چند باید دقت داشت فصل‌ها به زنانی اختصاص یافته که کارهای تحقیقات‌شان به‌ثمر نشسته و ناقص و بلا تکلیف نمانده است، ضمن اینکه نویسنده کتاب تماماً فصلی را به ماری کوری اختصاص نداده و نوشته: «هروقت صحبت از زنان دانشمندی می‌شود، حرف ماری کوری به میان می‌آید، بنابراین او را در کتاب نیاوردم. او تقریباً در هر مناسبتی گل سرسپد است؛ زن شاخص در یک دسته کار یا تصویر دانشمندان، نقل تقریباً هر محفل و گفت‌وگو، دانشمندی که تمام زنان دانشمندی را با او مقایسه می‌کنند. برنده دو جایزه نوبل و مدیر انستیتوی بسیار معتبر رادیوم، دانشمندی که نخستین بار توجه فراگیر عموم را به جایزه کوچکی به نام نوبل جلب کرد، بی‌تردید جایگاه شایسته‌ای در تاریخ و

ایسلند بالاترین درصد نویسندگان را نسبت به جمعیتش در جهان دارد. از قرن دهم میلادی تا به امروز این کشور محل تولد نویسندگان و هنرمندان برجسته‌ای بوده؛ از هالدور لاکسنس، شاعر و نویسنده نوبلیست تا هالدور رگناسون و اسنوری یرتارسون که از محبوب‌ترین نویسندگان و شاعران ایسلندی هستند. در این میان گودبرگر برگسون با نوشتن رمان «ساندویچ دزد» برنده جایزه ادبی ایسلند در سال ۱۹۹۱ شد. او سال ۱۹۹۳ جایزه انجمن ادبی شمال اروپا و سال ۲۰۰۴ جایزه نوبل آکادمی سوئد را هم برای «ساندویچ دزد» از آن خود کرد



نمایی از فیلم «قو» به کارگردانی آساهلگا هیورلیفسدوتیر که با اقتباس از رمان «ساندویچ دزد» در سال ۲۰۱۸ ساخته شد

رمان «ساندویچ دزد» نوشته گودبرگر برگسون که به تازگی به فارسی ترجمه و منتشر شده، تحسین نویسندگان بزرگی چون میلان کوندرا را در پی داشته است

دختری که عاشق دزدی بود!

«**استیون سائو / ترجمه زهرا نوروزی** گودبرگر برگسون، از نویسندگان معاصر ایسلند با نوشتن رمان «ساندویچ دزد» نام خود را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان شمال اروپا تثبیت کرده است. ایسلند بیشترین درصد نویسندگان را نسبت به جمعیتش در جهان دارد. آن طور که خود ایسلندی‌ها می‌گویند: «ما ملتی قسه‌گو هستیم. به یمن منظومه‌های شاعرانه و افسانه‌های وایکینگ‌ها، همواره با داستان‌های مختلف احاطه شده‌ایم و این ادبیات است که کمک می‌کند هویت‌مان را تعریف کنیم.» از قرن دهم میلادی تا امروز این کشور محل تولد هنرمندان برجسته‌ای بوده است؛ از هالدور لاکسنس شاعر و نویسنده نوبلیست تا هالدور رگناسون و اسنوری یرتارسون که از محبوب‌ترین نویسندگان و شاعران ایسلندی هستند. برگسون نیز در حال حاضر شناخته‌شده‌ترین نویسنده ایسلندی است که تاکنون دو بار برنده جایزه ادبی ایسلند برای بهترین رمان سال شده که یکی از آنها برای رمان «ساندویچ دزد» در سال ۱۹۹۱ بوده است.

گودبرگر برگسون یکی از پرکارترین مترجمان اسپانیایی ایسلند هم به شمار می‌رود و از این رو نقش مهمی در معرفی نویسندگان اسپانیایی و آمریکای لاتین در ایسلند ایفا کرده است. کتاب‌های او به چندین زبان ترجمه شده‌اند و رمان «ساندویچ دزد» در بسیاری از کشورهای تحسین منتقدان را به همراه داشته است. او علاوه بر داستان‌های کوتاه‌اش تاکنون به تألیف بیش از ۲۰ کتاب در حوزه شعر و ادبیات کودک پرداخته است. برگسون سال ۱۹۹۳ جایزه انجمن ادبی شمال اروپا و سال ۲۰۰۴ نیز برای این رمان جایزه نوردیک آکادمی سوئد را که با نام «نوبل کوچک» شناخته می‌شود، از آن خود کرد. موفقیت این رمان به عنوان «یک رمان کلاسیک ایسلندی» تا جایی بود که بسیاری از نشریات نیز از جمله ایندپندنت آن را تحسین و رمانی با اصالتی مثال‌زدنی و بی‌مانند توصیف کردند. مجله ادبی شمال اروپا نیز در ستایش آن نوشت: «ترسیم طبیعت در این رمان به نحوی است که به سختی می‌توان رقیبی در ادبیات ایسلند برای آن یافت.» گودبرگر برای ادامه تحصیل به اسپانیا رفت و سال ۱۹۵۸ در رشته ادبیات و تاریخ هنر از دانشگاه بارسلونا فارغ التحصیل شد. از آن زمان او بیشتر وقت خود را در اسپانیا گذرانده است. نخستین کتاب‌هایش، رمان «موشی که غریب» و مجموعه شعر «کلمات تکراری» در سال ۱۹۶۱ منتشر شدند. از آن زمان تاکنون کتاب‌های مختلفی در ژانرهای متفاوت منتشر کرد و برای روزنامه‌ها و مجلات مقاله‌هایی درباره ادبیات، هنر و موضوعات اجتماعی نوشته است.

عشق دزدی!

«ساندویچ دزد» داستان دختر نوجوانی را روایت می‌کند که به دزدی عشق می‌ورزد؛ کاری که حسی وصف‌ناپذیر به او می‌دهد؛ وجدی که فانتزی‌های آشفته و آشفته به خشونت او را سیراب می‌کند. اما وقتی مچش را می‌گیرند، به خاطر مجازاتی که برای او در نظر گرفته‌اند، دیگر هیچ احساس شوقی ندارد. مجازات او از این قرار است که باید چند ماه در مزرعه‌ای دور دست در یکی از روستاهای ایسلند کار کند. برگسون در این رمان که شخصیت‌هایش همه بی‌نام هستند، روان دختری را واکاوی می‌کند که در جو آلوده هراس‌انگیز شهرنشینی به سن نوجوانی نزدیک می‌شود؛ از یک سو در رابطه‌ای که باکشاورز دارد و از سوی دیگر در رابطه‌ای که مردم روستا با یکدیگر دارند، سعی می‌کند با کشمکش میان زندگی شهری و روستایی، بین پیشرفت تکنولوژی و میل شدید به وفاداری به گذشته دست‌وپنجه نرم کند. میلان کوندرا در مقدمه این رمان نوشته است: «ساندویچ دزد، رمانی دل‌انگیز درباره دوران کودکی است و چشم‌انداز ایسلند در تک‌تک سطرهایش پراکنده است. اما خواهش می‌کنم این اثر را به عنوان یک رمان ایسلندی عجیب‌وغریب و شگفت‌انگیز نخوانید. گودبرگر برگسون یکی از رمان‌نویس‌های بزرگ اروپاست.»

در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «دخترک کوچولو دوروبرش را نگاه کرد. دید که کوه‌ها ارتفاع‌های مختلفی دارند. به فکر کردن ادامه داد: «این حقیقت ندارد که یک کانال مخفی آن پایین، در عمق دریاچه‌ها، توی دل کوه، همه آنها را به هم وصل می‌کند. اگر بالای کوه دریاچه‌ای باشد، حتماً بالای هر کدام‌شان یکی هست، چون دریاچه‌ها هم مثل کانال‌ها هستند، حتی در جایی که مردم هم زندگی می‌کنند همین شکلی هستند. ناگهان چیزی روبه‌روی چشم‌هایش ظاهر شد. به یک تپه کوچک رسیده بود. نمی‌توانست به خاطر تابش خورشید منظره پایین کوه را ببیند، اما متوجه شد قطعه زمینی هموار روی به‌رویش هست که چیزی شبیه به آب در خود دارد. از وحشت درجا خشکش زد، اما کنج‌کاوی‌اش را از شیب تپه به پایین هل می‌داد. بعد دید که اشتباهی در کار نیست. یک دریاچه نسبتاً بزرگ، آبی-

خاکستری و مملو از نوع خاصی از پوشش گیاهی روبه‌رویش بود؛ پوشش گیاهی توی آب به جلبک دریایی شبیه بود، اما نمی‌توانست جلبک دریایی همان باشد، چون از دریا بسیار دور بود. بالای کوه بود. مگر اینکه دریا از طریق کانال‌هایی به آنجا منتقل شده باشد و کوه را به اقیانوس وصل کند. اگر خودم را ببینم توی دریاچه، می‌روم تپه‌آب. می‌رسم به کانال. شاید زمان زیادی طول بکشد که توی رودهای زمین حرکت کنم، اما بالاخره با حرکتی تند به سطح آب می‌آیم و می‌بینم... می‌بینم که برگشته‌ام به خانه.»

دختری به نام «قو»

سال ۲۰۱۷ کارگردان و نویسنده ایسلندی، آساهلگا هیورلیفسدوتیر فیلمی به نام «قو»، اقتباسی از کتاب «ساندویچ دزد» را کار کرد. فیلم‌های «قو»، «داستان» و «دختر است» از کارهای بسیار معروف این کارگردان به شمار می‌روند. گرچه او غالباً برای به تصویر کشیدن آسمان‌های بی‌کران و کوه‌های باشکوه که طبیعت را احاطه کرده‌اند، سر از پا نمی‌شناسد، اما گاهی آزادی می‌تواند خفه‌کننده باشد، وقتی هیچ هدفی در میان نباشد و او به عنوان کارگردان برای یافتن راه خود از طبیعت کمک می‌گیرد. او فیلمی بسیار زیبا و آموزنده در مورد سوءاستفاده از والدین خلق کرده است و این سوال را مطرح می‌کند که چه کسی افراد را به هم وصل می‌کند زمانی که ممکن است حتی هم‌خون نباشند؟ برای مثال زمانی که سه نفر در مکان‌های بسیار متفاوت زندگی خود، هر کدام به نحوی نظر دیگری را جلب می‌کنند. هیورلیفسدوتیر، فیلمساز است که گرفتن واکنش‌های عاطفی این رمان را نه تنها از بازیگرانش بلکه از طبیعت ضروری می‌داند.

در رمان «ساندویچ دزد» دخترک با تسلیم در برابر محدودیت‌ها و رنج‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی دورافتاده روستایی، به نوعی آزادی دست پیدا می‌کند. نویسنده تصویری ساده از پیچیدگی‌های بی‌شمار زندگی پیش‌روی ما می‌گذارد. وقتی به لحظه‌ای انتقالی که از کلمات ساخته می‌شود، فکر می‌کنید، تصاویری در جریان تخیل این دختر وجود دارد که به‌وضوح در خطوط داستان دیده می‌شود. او هرگز در مورد هیچ مسأله‌ای قضاوت نمی‌کند.

از منظر کارگردان، این رمان در واقع مانند کاشت یک دروین در جایی بیرون از داستان عمل می‌کند و فقط دنیا را در حال آشکار شدن می‌بیند که برای خواننده جنبه‌های سینمایی پیدا می‌کند. این جریان احساسات، نظر همه را به خود جلب می‌کند، در واقع طبیعت در ایسلند انسان را به حیرت می‌اندازد. دریا همیشه حضور دارد و کوه‌ها هرگز دور نیستند و این احساس همواره نزدیک ما است. نیازی نیست خیلی دور شوید تا طبیعتی کاملاً منحصربه‌فرد و زیبا را تجربه کنید.

نویسنده در مورد چگونگی عملی که در طبیعت رخ می‌دهد، به نوعی از آنچه در سفرهای عاطفی کاراکترها اتفاق می‌افتد، صحبت کرده است. اتفاقات غیرمنتظره‌ای رخ می‌دهد و شما همیشه وقت ندارید آنچه را که می‌خواهید به دست آورید، اما ترکیبی از مسائل برنامه‌ریزی شده و همچنین مناظر طبیعت نگاه ما را به سوی خود می‌کشد. احساسی خاص به وجود می‌آورد که به دنبال آن همواره از خودمان می‌پرسیم «خب، کجای این رودخانه می‌توان حس ترس پیدا کرد؟» یا «کجا در این کوه می‌توان اضطرابی یافت؟» به معنای واقعی کلمه در تلاش برای پیدا کردن احساسات در تصاویر رمان هستیم. رمانی که در آن برگسون به بهترین شکل ممکن از احساسات طبیعی انسان در تقابل با مدرنیته عصر حاضر برای خواننده تصاویری بدیع به ارمغان می‌آورد.

برگرفته از سایت موویل فست

روح زمانه ما دارد. ماری کوری برای بسیاری مایه الهام بود، اما من امیدوارم این کتاب، دانشمندان و ریاضی‌دانان و مهندسان دیگری را برای تحسین والگورفتن پیش چشم خواننده‌هایی در سنین مختلف قرار بدهد.»

زنان سرسخت
نویسنده: ریچل سوینی
ترجمه: هادی همای
انتشارات: اختران
۲۵۵ صفحه
۳۲ هزار تومان



ساندویچ دزد
نویسنده: گودبرگر برگسون
ترجمه: انیسا دهقانی
انتشارات: نقش جهان
۱۹۴ صفحه
۳۰ هزار تومان

مصلح اصلاح‌گر به جای قهرمانی کاریزماتیک

«امیرحسین امیرفیض» نمایشنامه «اقامت اجباری» نوشته امیرحسین مصلی از سوی انتشارات «افراز» منتشر شده است. این نمایشنامه درباره معلمی است که چندین نسل از دانش‌آموزان یک دهکده را تربیت کرده اما عاقبت به دلیل نافرمانی نسبت به بخشنامه‌ای پیرامون آموزش کشتن گنجشک‌ها به کودکان، به جرم تخطی از فرامین شورا در مدرسه‌ای که خود بنا کرده، محصور می‌شود؛ مأمورانی که وظیفه نگهبانی از این معلم را برعهده دارند، هرکدام روزی از شاگردان او بوده‌اند و همین موضوع باعث می‌شود تا چالش‌هایی اخلاقی میان آنها به وقوع بپیوندد؛ معلم که در این اقامت اجباری برای همکاری با شورا توسط مأموران تحت فشار است، به‌طور پنهانی از گنجشکی رخمی نیز نگهداری می‌کند که ناگهان....

این نمایشنامه از دو نکته مهم و حایز اهمیت برخوردار است؛ اول آنکه در عصر حاضر که ادبیات ایران نمایشی ایران درگیر فرم‌زدگی‌های دفرمه شده و تهی از پیچیدگی‌های قصه و روایت است، به‌واقع باید گفت که در نمایشنامه اقامت اجباری شاهد درامی کنش‌مند و نفسگیر هستیم که بیشتر در کتاب‌های تکنیکال نویسندگی کلاسیک درباره آن خوانده‌ایم؛ و همین داستان قوی و چند لایه فرم جذاب و باورپذیری را در بستر این نمایشنامه ساخته و پرداخته است. نکته دوم مضمون سیاسی-اجتماعی این اثر است. شالوده هنری کار به قدری مستحکم پیریزی شده است که مانع از خطر شعارزدگی‌های مرسوم در چنین آثاری می‌شود. این اثر در واقع مخاطب را با مبعیثی بکر چون اقامت اجباری درگیر می‌کند که از دیرباز در جوامع متعدد، اندیشمندان با آن دست به گریبان بوده‌اند؛ همین استمرار، نوعی فراموشی عمومی نسبت به محکومان چنین مجازاتی را پدید آورده است. با این حال، اندیشمند محصور در این نمایشنامه پیش از آنکه قهرمانی کاریزماتیک باشد، با شخصیت‌پردازی چند بعدی، مصلحی اصلاح‌گر معرفی می‌شود که به جای مظلوم‌نمایی، کنش دیروز خود را عامل واکنش امروز زندان‌بانانش می‌پندارد. همین موضوع باعث می‌شود تا با یک تصمیم شخصی در این اقامتگاه اجباری، فردای جامعه خود را برای مصون ماندن از تکرار ظلم، دچار استحاله کند؛ چنانکه در پیشگفتار این کتاب نیز آمده است: ««اقامت اجباری» در ناکجاآبادی بی‌زمان

به وقوع می‌پیوندد. با وجود آنکه این اثر دارای رویکردی واقع‌گرایانه است، شاید در نگاه نخست انتزاعی و استعاری قلمداد شود؛ اما وجه اشتراک در چنین تضادی، ریشه در سرنواشت شگرف انسان معاصر در مواجهه با اسلوب انحصارگرایانه خودکامگان دارد.»

اقامت اجباری (نمایشنامه)
نویسنده: امیرحسین مصلی
انتشارات: افراز
۱۰۳ صفحه
۲۰ هزار تومان

